

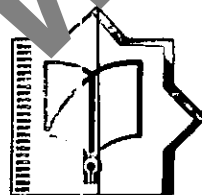
شناسه : نخعی، نعیم، ۱۳۶۳ - گردآورنده
 عنوان و نام پدیدآور : فریم‌های ماندگار : مجموعه عکسهای عملکرد صنعت آب و برق در دفاع
 مقدس / گردآورندگان نعیم نخعی، روح‌الله حبیبی پور.
 مشخصات : زبان : شهید آوینی، ۱۳۹۳.
 خفیه : ظاهر : ۳۵۰ ص.؛ مصور (رنگی)؛ جدول نمودار.
 شابک : ۵-۹۲۹۱۰۰۰۰۰۰۰۰-۹۷۸
 وضعیت : نویسنده : فیبا
 موضوع : جنگ ن و ای، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ - عکس‌ها
 موضوع : حبیبی پور، روح‌الله
 شناسه افزوده : ۱۳۶۳ - گردآورنده
 رده بندی کنگره : ۴۰۲ / DSR ۱۶۰۲
 رده بندی دیویی : ۲۲۳ / ۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۳۰
 طراح جلد و صفحه آرا : علیرضا عیسی



جمهوری اسلامی ایران
 وزارت نیرو



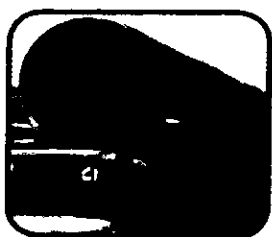
و قهر و انزله المعارف و دفاع مقدس
 وزارت نیرو



موسسه فرهنگی هنری شهید آوینی
 شماره ثبت ۱۹۹۰۶

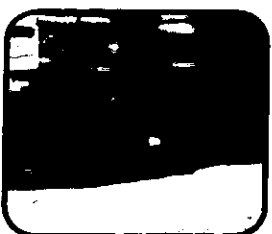
انتشارات موسسه فرهنگی هنری شهید آوینی
 نام کتاب: فریم‌های ماندگار
 گردآورنده: نعیم نخعی / روح‌الله حبیبی پور
 ناشر: موسسه فرهنگی هنری شهید آوینی
 لیتوگرافی / چاپ / صحافی: تهران - لوپ گرافیک
 نویت چاپ: اول - تیر ۱۳۹۳
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 شابک: ۵-۹۲۹۴۸۵-۹۷۸-۶۰۰
 بها: ۱۷۰۰۰۰ ریال

۹



کمک‌رسانی به جبهه‌ها..... ۹

طرح‌های مهندسی آب..... ۱۷



طرح‌های برق‌رسانی..... ۹۱

سد‌ها و نیروگاه‌ها..... ۱۲۳

طرح‌های مهندسی جنگ..... ۲۲۷

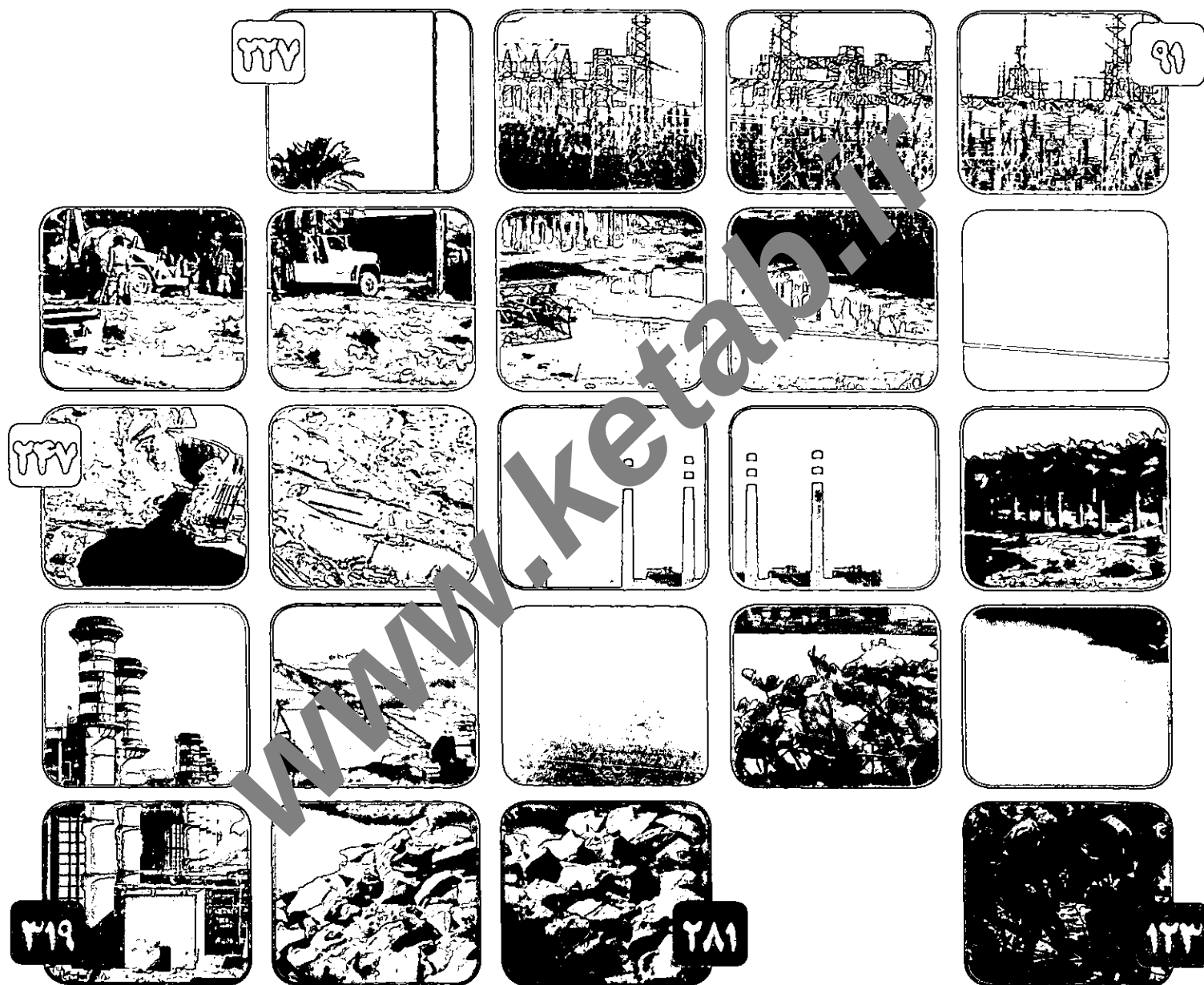
تهدیدات و دفاع غیر عامل..... ۲۴۷

معاونت جنگ وزارت نیرو..... ۲۸۱

برکات دفاع مقدس..... ۳۱۹

۱۷





دفاع جانانه هشت ساله ملت ایران، نقطه اوج آرمان های انقلاب اسلامی و سند افتخار دیگری بر تارک تاریخ شکوهمند جمهوری اسلامی ایران است. لذا حفظ و بهره برداری از این میراث گران قدر که برای به ثمر رسیدنش خون عزیزترین فرزندان میهن ریخته شده، بر دوش هر ایرانی، خصوصا نسلی که آن شرایط را درک کرده است و به طور اخص بر دوش پژوهشگران همان نسل سنگینی می کند، تا شاید نسل حاضر و نسل های آینده بتوانند از دستاوردهای این میراث گران بها بهره مند شوند و از تجربه های پند گیرند. تحقق این امر نیازمند رویکردی علمی به دفاع مقدس ملت ایران می باشد. زیرا رویکرد بیطرف علم، تنها بر مبنای اسناد، مدارک، شواهد و راین وجود به بررسی پدیده می پردازد. از سوی دیگر قالب دائرةالمعارف نیز بستر مناسبی را برای تبیین علمی یک پدیده به صورت جامع، اجمالی و با سبب از تجزیه و تحلیل و اظهار نظر جانبدارانه و صریح درباره آن پدیده فراهم می آورد و بدین ترتیب کلید و نقشه لازم را در اختیار تحقیقات آتی قرار می دهد.

کتاب حاضر حاصل تلاش جمعی از دلسوزان و علاقمندان صنعت آب و برق کشور، به ویژه کسانی که به هر وسیله ممکن در ثبت تصاویر در لحظات پر مخاطره و خطر آفرین، در دوران جنگ تحمیلی و بهر آن در بازسازی و دوروان شکوفایی این صنعت، اقدام به ثبت این آثار نموده اند، تقدیر و تشکر می نماییم. لذا بدینوسیله از تمامی کسانی که علاقه مند به تکمیل موضوعات هستند و احيانا تصاویری در اختیار دارند، جهت ثبت در تاریخ و دینی در این زمینه احساس می نمایند، دعوت به عمل می آید، این دفاع مقدس را ثبت نمایند.

خداوند تبارک و تعالی را شاکریم که این توفیق را به مدیران فرمود تا «دفتر دائرةالمعارف دفاع مقدس وزارت نیرو» گوشه ای از این اقدامات را که با اخلاص آن عزیزان انجام پذیرفته است، به همکاران و پژوهشگران، هنرمندان و تمامی علاقه مندان جهت ثبت در تاریخ دفاع مقدس تقدیم نماییم.

بر خود لازم می دانیم از همکاری کلیه دلسوزان و خدایان عام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به ویژه وزرای محترم جناب آقای مهندس بی طرف، مهندس فتاح، مهندس نامجو و مهندس چیت چیان که از ابتدای تحقیقات پژوهش، راهنمایی و هدایت نموده اند و همچنین از مدیران عامل محترم شرکت های مادر تخصصی، مدیران عامل کلیه شرکت های تابعه و وابسته وزارت نیرو، مشاورین امور ایثارگران و نمایندگان محترم وزیر در دائرةالمعارف دفاع مقدس وزارت نیرو آقایان سخاوت اسدی، محمد احمدیان و ابراهیم راحمی که مسانقت پیگیری، با جدیت حمایت نموده اند، سپاسگذاری نماییم.

در پایان از پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، بنیاد حفظ و آثار این دفاع مقدس و مؤسسه شهید آوینی که مجری طرح «جمع آوری و تدوین دایرةالمعارف دفاع مقدس وزارت نیرو» بوده اند، و همچنین گروه پژوهشی کتاب آقای نعیم نخعی و همکارانشان تشکر نماییم.

دبیر دائرةالمعارف دفاع مقدس وزارت نیرو

محمد رضا طلایی نیک

اسفند ۱۳۹۲

عکس‌ها، این لحظه‌های ناب نشسته در قاب‌های کهنه که یا در غربت دیوارها مصلوب می‌شوند، یا در تاریکی زیرزمین‌های نمور کز کرده‌اند، روزی از آرشیه‌های خاک گرفته سازمان‌ها، ادارات، یا از آلبوم عکس‌های قدیمی کارگری و صنعتی بیرون آمده و کنار هم، در صفحات آلبوم می‌گرد هم می‌آیند؛ حال، زمان آن فرارسیده که دیده شوند.

آلبوم‌ها ورق می‌خورند. عکس‌ها مات و تیره در هاله‌ای از یادها، به مرور خاطرات نشسته‌اند. هواپیماهای دشمن دیوار صوتی را می‌شکافند. صدای آژیر و انفجار در نیروگاه می‌پیچد. نیروگاه در آتش می‌سوزد. صدای ناله زخمی‌ها از هر گوشه‌ای شنیده می‌شود. کارگران و مهندسی‌هایی که زیر هجوم هواپیماهای دشمن و خمپاره‌ها، با قلب‌هایی آرام از ایمان، به کار مشغول‌اند؛ دلگرم به این اندیشه که با هر مأموریتی که انجام می‌دهند، قسمتی از خاک وطن را از دشمن پس می‌گیرند. چهره‌هایی سوخته از سرما و آفتاب، دست‌هایی پینه بسته و برف که تا زانو‌ها بالا آمده، چشم‌ها به دکل جرثقیل است تا که زحمات چندین هفته به بار بنشینند و دکل روی پایه‌هایش بایستد. کارگری که کمک به جبهه را از سفره کوچک و کم رونقش کنار می‌گذارد، همسر جوانش را به خدا می‌سپارد و ماه‌ها برای ایفای مأموریت به جبهه می‌رود، چند ماه بعد تنها ساکی کهنه از او به خانه برمی‌گردد.

چه لبخندهای بی‌گناه و چه اشک‌های معصومی که در این تصاویر محبوس نشدند. چه چهره‌ها و چه بدن‌های سوخته پوشیده از زخم و تاول بمباران شیمیایی دشمن، چه قلب‌های مهربان دور از زن و فرزند و چه دست‌های پینه بسته از کار سخت شبانه که در این عکس‌ها ماندگار نگشتند. چه چشم‌های به راه مانده و اشک‌های شبانه کودکانی که هیچ لنز دوربینی برای

ثبت‌شان پیش قدم نشد.

عکس‌ها همیشه حرف‌های تلخ و شیرینی برای گفتن دارند. گاه سکوت می‌کنند و گاه آن قدر فریاد حقیقت در آن‌ها بلند است که دل را به درد می‌آورد، مشت‌ها را گره می‌کند و عزم‌ها را راسخ و گاه ... همه سطرهایی را که تا به این جا نوشته‌ام، شاید بیشتر کسانی که این کتاب را بردارند، بخوانند. اما فکر می‌کنم شاید بهتر بود سکوت می‌کردم. شاید بهتر بود یک صفحه سپید را به عنوان مقدمه بر این فصل ناتمام تاریخ ایران می‌گذاشتم. هر چه بر این کاغذ گنگ، با این کلمات لال بگوئیم، قطره‌ای از آن چه را بر مردم ایران در دوران سخت دفاع گذشت، بیان نمی‌کند. کاش به جای این که بنویسیم، زندگی می‌کردیم. کاش به جای این که بگرییم، سوگواره برگزار کنیم. مقاله و شعر و نثر و کتاب و ... بنویسیم، نان، با کسانی که بر دکل‌های برق و در تصفیه‌خانه‌ها در آتش بمباران شیمیایی دشمن سوختند، روزها و روزها زندگی می‌کردیم.

به نیت می‌گوئیم که تک تک صفحات این کتاب سطرهای ناخوانده جنگ است. فریم به فریم از عکس جمع آوری شده روایتی است ناخوانده از مردانی که در گمنامی سوختند تا چراغ خانه‌های مردم وطن روشن ماند. تا به امروز جایی را سراغ ندارم که به شرح همت این رادمردان پرداخته باشد. جمع آوری و ثبت عکس‌ها هم کاری بسیار دشوار و پیچیده بود. چرا که دست رسی به چنین تصاویری در نگارخانه‌ها غیر ممکن می‌نمود. تا توانستیم پس از نزدیک به یک سال تلاش و جستجو در هر هزار توی که در آن می‌کردیم نشان بیابیم از عزیزانی که می‌توانستند از گنجینه شخصی خود ما را کمک کنند. انعام بنویسیم بر سرسیم. جناب آقای نجیب که نامشان براننده شخصیت دوست داشتی ایشان بود، که با هر بار خنجر گرمی برادران جنوب، فریم‌ها و نگاتیوهای شخصیشان را در اختیار ما قرار دادند. جناب آقای مرادی و جناب آقای جوادی دو مرد دوست داشتی از دیار پهلوانان جنگ، کرمانشاه، که بی دریغ رهنمایمان کردند تا به آن چه سال‌ها در حال خاک خوردن بود دست پیدا کنیم. جناب آقای طلایی نیک که از هیچ تلاشی برای کمک به گروه دریغ نداشتند و اگر نبود زحمات این بزرگوار، نتیجه‌ای برای این کار حاصل نمی‌شد. بوسه گاه فرشتگان است، دستان تمام دوستانی که در طول این مدت نه چندان کوتاه، تحمل کردید با صبر و حوصله باعث شدند که این کتاب به سرانجام برسد و شرمسارم از این که نام زیبایان را هم فراموش کردم.

کم لطفی و کم فروشی است اگر نامی از این شهدا ننویسم. آوینی و گشودگی سینه‌های پر مهر و صبور مسئولین آن نبریم. جناب آقای بهمنی، جناب آقای علی‌محمدی و جناب آقای امینی که جانانه ایستادند تا هیچ سنگی سد معبر این رود به راه افتاده نباشد. که در آنجایی که دریای پیوندد. جناب آقای کاظمی زاده و دوست هم نفسم علیرضا عبادی، طراح صفحات این کتاب که به علت شرایط عکس‌ها، متحمل رنج و مرارت زیادی گردید. و خواهر بزرگوارم سرکار خانم قاسمی که مردانه تلاش کرد و مردانه همت ورزید. امیدوارم این کتاب، فتح بابی باشد بر کشف زوایای نادیده و گنجینه‌های ناگشوده جنگی که هشت سال، غیرت مردان سرزمینم را محک زد، مردانی که الحق، نام بلندشان غرور و اژه غیرت است. تصاویر موجود در کتاب، بدون هیچ توضیحی بیانگر شرایط و سختی‌های وصف ناشدنی آن روزگار است. خداوند را شاکرم که توفیق این عمل و جمع آوری این مصحف مصور، روزی دستان من گردید و حافظانه اگر بگویم، سر از پا نمی‌شناسم که قرعه فال به نام من دیوانه زدند.

نعیم نخعی زاده

۹۲/۱۰/۱۵